



روزنامه جوان | شماره ۶۱۰۹ |

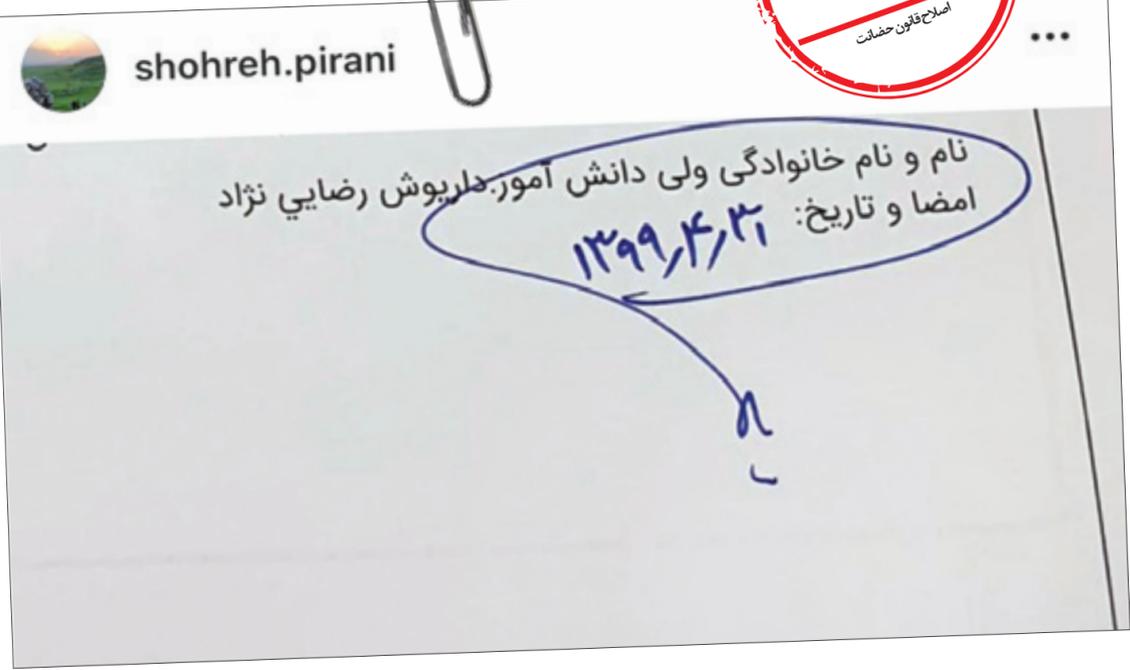
زنان

سرویس اجتماعی ۰۹۸۴۹۸۴۴

زهرا چیدری

پرونده

اصلاح قانون حضانت



پرونده «جوان» درباره بایدها و نبایدهای اصلاح قانون حضانت

چالش‌های مادرانی که حضانت دارند اما ولایت ندارند!

اضطراب به جانش چنگ انداخته بود. فرزند شش ساله‌اش در میان مرگ و زندگی دست و پا می‌زد؛ پزشک معالج تأکید کرده بود باید عمل شود اما کسسی نبود پای رضایتنامه جراحی را امضا کند. او هیچ کاری نمی‌توانست بکند. شوهرش چند سال پیش از دنیا رفته بود و پدرشوهرش هم در شهری دیگر زندگی می‌کرد. او مادر بود، سرپرست خانوار بود و حضانت تمام مسئولیت‌های فرزندش را بر عهده داشت، اما امضایش پای برگه رضایتنامه جراحی اعتبار نداشت! این حکایت برای اغلب زنان سرپرست خانوار حکایتی غریبی نیست؛ زنانی که وقتی

شود، ممکن است باعث شود که برخی‌ها اشتباهاتی انجام داده یا اجتهادهای شخصی کنند و کودکی را که با شرایط اورژانس آورده شده از درمان محروم کنند.

■ **برجسته شدن یک چالش قدیمی با پستی اینستاگرامی**

اما برای زنانی که به واسطه مرگ همسر یا طلاق حضانت فرزندشان را بر عهده دارند، ماجرا از این هم پیچیده‌تر است. این مادران علاوه بر مشکل برای بستری کردن فرزند خود برای مواردی نظیر افتتاح حساب بانکی برای فرزندشان یا برداشت از حساب بانکی او یا انجام کارهای تحصیلی فرزندان تحت حضانت خود از جمله تغییر مدرسه با مشکل روبه‌رو هستند.

ماجرای مشکلات زنان سرپرست خانوار در رابطه با حضانت فرزندانشان چالشی قدیمی و کهنه است اما پست اینستاگرامی شهیره پیرانی این چالش را به شکلی جدی‌تر از قبل در معرض دید رسانه‌ها قرار داد.

وی با انتشار تصویری که امضای خودش را پسای برگه‌ای مربوط به مدرسه فرزندش و در برابر اسم شوهرش به عنوان ولی دانش آموز آورده بود، در صفحه اینستاگرام خود نوشت: «به نام، امضا و تاریخ دقت کنید. نام همسر من ۹سال پیش شهید شده است، امضای من، تاریخ شش روز پیش!»

این نام، امضا و … بخشی از ایفای نقش مادری من در شرایط مختلفی پس از شهادت دارپوش بوده است و در مواقع مختلف اعم از ناخوشی (جراحی سریایی یا بستری) یا خوشی (ثبت‌نام در کلاس‌های مختلف، افتتاح حساب بانکی، گرفتن پاسپورت و …) کاربرد داشته است اما

همیشه این امضا (امضای من به عنوان مادر دخرم) اعتبار نداشته است! خیلی از موارد دخرم همراه من بوده و نظاره‌گر این چالش بوده است. به طوری که پس از اعلام نتایج انتخابات مجلس یازدهم و اولین دیدار ما با خانم دکتر قاسم‌پور نماینده تهران و رئیس فراکسیون زنان مجلس شورای اسلامی، آرمیتا در مورد این دغدغه خود و برخی محدودیت‌های ناشی از آن با خانم دکتر قاسم‌پور مفصل صحبت کرد. سال گذشته برای امری واجب که از حقوق بدیهی من و آرمیتا بود به یکی از بانک‌های معتبر مراجعه کردیم. کارمند باجه گفت اجازه همسر تان برای افتتاح حساب لازم است، گفتیم همسر من در قید حیات نیست، گفت پس امکان افتتاح حساب برای دخترتان وجود ندارد. نمی‌توانستم با کارمند بانک یکی به دو بکنم چون او هم مجری قانون است و ما همگی تابع قانون. ولی از لحاظ ذهنی ۹ سال گذشته نتوانست‌ام برای خودم حل‌کنم که چرا باید از حقوقی که همسرم با کمال میل به من اعطا می‌کرده پس از وی محروم باشم. این مورد بانک و ثبت‌نام تنها دو چالش از چالش‌هایی است که من و دخترم طی ۹ سال گذشته با آنها مواجه بوده و تلاش کرده‌ایم آنها را حل کنیم.

شاید در حال حاضر شرایط قانونی برای من و دخرم فراهم شود و از این به بعد کمتر این گونه مشکلات را داشته باشیم اما قطعاً مادران و فرزندان دیگری هستند که هنوز درگیر این گونه مسائل به دلیل اتفاقاتی که در زندگی‌شان افتاده (اعم از مرگ یا جدایی) خواهند بود. امیدوارم دوست عزیز و دغدغه‌مندم سرکار خانم دکتر قاسم‌پور و سایر نمایندگان مجلس برای حل قانونی این گونه مسائل، پیش پای ما

مادرانی که می‌خواهند بی‌دغدغه یا لاقال کم‌دغدغه نقش مادری خود را ایفا کنند، راه‌حل‌های قانونی بگذارند.» نکته جالب کمنته‌هایی است که پای این پست همسر شهید رضایی‌نژاد آمده و نشان می‌دهد این دغدغه به این مشکلات چقدر عمومیت دارد و چقدر متیلا به همسران شهدا و مادرانی است که همسرشان را از دست داده‌اند.

حالا از یک سو فراکسیون زنان مجلس شورای اسلامی و از سوی دیگر معاونت زنان و خانواده رئیس‌جمهور در پی رفع چالش‌های مادران سرپرست فرزندشان شده‌اند و بناست تا قانون حضانت اصلاح شود.

■ **تغییرات قانون حضانت**

سال ۱۳۵۲ در قوانین حمایت از خانواده تصویب شد که حضانت و ولایت با شرایطی که برای داد‌گاه احراز می‌شود به مادر برسد. سال ۱۳۵۹ این قانون مغایر با شرع تشخیص داده شد. بعد از آن تعیین شد که حضانت با پدر است مگر اینکه پدر خودش بخواهد حضانت را به مادر بدهد. سال ۹۱ با پیگیری‌های زیاد جمعی از حقوقدانان اصلاحیه‌ای بر این قانون زده و تعیین شد که مادر بدون دوندگی‌های قانونی برای گرفتن حضانت بعد از فوت پدر، حضانت را داشته باشد. البته برای طلاق این گونه نیست و این موضوع فقط مربوط به فوت پدر است. اما در همه این شرایط متفاوت همچنان ولایت با پدر است و تمام مشکلات مادران سرپرست خانواده نیز از این نداشتن ولایت نشئت می‌گیرد. البته بحث ولایت پدر و بعد از فوت پدر ولایت پدربزرگ و عموی کودک یک موضوع فقهی و شرعی است.

برخی چالش‌ها در خصوص بی‌اعتباری اجازه مادر برای مواردی همچون درمان و جراحی فرزندش تنها به زنان سرپرست خانوار محدود نمی‌شود و حتی زنانی که همسر دارند نیز برای چنین مواردی نمی‌توانند به شخصه تصمیم بگیرند و اجازه بدهند. طبق ماده ۴۹۵ قانون مجازات اسلامی در مواردی که امکان اخذ رضایت از بیمار ممکن نباشد، باید از «ولی» او تحصیل برائت شود. تبصره ۲ این ماده هم می‌گوید «ولی» بیمار اعم از «ولی خاص» است مانند پدر ولی عام که مقام رهبری است. در موارد فقدان یا عدم‌دسترسی به ولی خاص، رئیس قوه قضائیه با استحضار رهبری و تفویض اختیار به دادستان‌های مربوطه می‌تواند این رضایت را ارائه دهد. بنابراین طبق حکم قانون اگر کودکی نیاز به اقدام درمانی داشته باشد، تنها پدرش و بعد از آن ولی عام او می‌تواند رضایت به درمان دهد و رضایت مادر در این زمینه تأثیری ندارد.

هرچند که طبق قوانین سازمان نظام پزشکی حتی اگر پدر و مادر کودکی بر بالین وی حاضر نباشند و کودک نیاز به اقدام در مانی اورژانسی داشته باشد، باید اقدام درمانی را فوراً برایش انجام داد. در ماده ۴۹۷ همان قانون گفته شده که در موارد ضروری که تحصیل برائت ممکن نباشد، پزشک برای نجات مریض طبق مقررات اقدام به معاینه کند، کسی ضامن تلف‌شدن یا صدمات وارده نیست. در آیین‌نامه انتظامی سازمان نظام پزشکی هم به این مسئله به صورت روشن اشاره شده که در موارد اورژانسی نیازی به اخذ رضایت نیست، اما این ذهنیت که حتماً باید رضایت پدر یا همسر (شوهر) بیمار گرفته

نظر کارشناس

تعامل فراکسیون زنان مجلس

با قوه قضائیه برای حل چالش حضانت مادران



بیش از سه‌ماه است که تعدادی از بانوان که همسرانشان را از دست داده‌اند، با مشکلی پیرامون حضانت فرزندانشان مواجه شده‌اند و این موضوع را رسانه‌ای کرده‌اند؛ چراکه بعد از فوت همسرشان نتوانسته‌اند درباره مدیریت مالی زندگی فرزندانشان با جد پدری آنها تعامل صحیح داشته باشند، بنابراین از ما خواستند که به آنها کمک

کنیم، در نتیجه بنده از مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی و مرکز تحقیقات اسلامی قم خواستم که در این زمینه شفاف‌سازی کنند.

مرکز پژوهش‌های مجلس در زمینه تعارضی که در زمینه ولایت قهری و حضانت فرزندی که پدر خود را از دست داده‌اند، بین مادر و جد پدری آنها ایجاد شده بود، پیش‌نویس طرحی را آماده کرد و ما نیاز دیدیم که برای اصلاح ماده ۱۱۸۴ قانون مدنی که به حق حضانت مادر اشاره دارد، نشست هم‌اندیشی با قضات و حقوقدانان داشته باشیم تا نتیجه اقدامات صورت گرفته قابل دفاع باشد.

در همین زمینه فراکسیون زنان مجلس شورای اسلامی در نشست با حضور اعضای این فراکسیون و مدیرکل لویج و امور مجلس قوه قضائیه، دادیار دادرسی عمومی و انقلاب تهران و کارشناس دفتر حقوقی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی این موضوعات را مورد بررسی قرار داد.

از حقوقدانان و قضات حاضر در این نشست خواسته شد تا در رابطه با رفع ابهام موجود در ماده ۱۱۶۹ و ۱۱۸۴ در جهت تأمین مصلحت این فرزندان و لحاظ نظرات دادستانان بر این روند به آنها کمک کند. ولایت جد پدری جایگاه فقهی دارد که با لحاظ پذیرش آن لازم است زمینه مصلحت فرزند دنبال شود.

فاطمه قاسم‌پور

رئیس فراکسیون زنان مجلس شورای اسلامی

یادداشت



یک بام و دو هوای رسانه ملی

در بحث جمعیت

■ **محمد مهدی نیک‌ضمیر**

یک: چندسالی می‌شود کارشناسان حوزه جمعیت درباره روند کاهش جمعیت کشورمان هشدار می‌دهند. سال ۹۱ نیز رهبر معظم انقلاب درباره از دست رفتن سیمای جوان جامعه و کاهش رشد جمعیت هشدار دادند و خواستار اصلاح سیاست‌های جمعیتی شدند. با وجود این طی سال‌های اخیر نه فقط سیاست‌ها به سمت تشویق زوجین برای افزایش باروری و فرزندآوری نبود، بلکه در سال ۹۸ برای نخستین‌نرخ باروری و رشد جمعیت به پایین‌ترین میزان خود یعنی کمتر از یک درصد رسید. بر اساس پیش‌بینی‌های سال ۱۴۲۰ نرخ رشد جمعیت به صفر می‌رسد. به گفته کارشناسان بهترین نرخ رشد جمعیت برای یک اقتصاد مولد بین ۰/۵ و ۲/۵ است که با توجه به آمارهای کنونی تا چندین دهه آینده نرخ رشد جمعیت ما به صفر خواهد رسید و این یعنی جمعیت کشور به سمت انقراض خواهد رفت.

دو: اگرچه مباحث اقتصادی در موضوعات مرتبط با فرزندآوری و ازدواج امری مهم محسوب می‌شود اما اثرگذاری موارد فرهنگی و فرهنگسازی برای این مسائل اثری به مراتب بیشتر دارد. این مسئله‌ای است که در اجرای سیاست‌های تحدید جمعیت در کشور به خوبی جواب داد و با شعار «فرزند کمتر، زندگی بهتر» و تکرار این شعار از رسانه‌های مختلف و تدارک برنامه‌های تلویزیونی به تناسب همین شعار، رفته رفته فرهنگ تک فرزندی آنچنان در میان مردم جا افتاد که حالا به سه رقم تازش‌های کم‌رنگ رسانه‌ها برای تغییر این هژمونی فرهنگی، آثار تبلیغاتی و برنامه‌های رسانه‌ای برای تعمیق باور فرزند کمتر زندگی بهتر همچنان در جامعه و میان مردم باقیست.

سه: تلویزیون را روشن می‌کنید و نخستین برنامه‌ای که با جذابیت‌های صبری و صوتی به همراه آن‌گهی‌های شاد، شعر و تصاویر رنگی و زندگی‌های لوکسری به نمایش درمی‌آید، آگهی‌های یازز گانی است. فرقی نمی‌کند تبلیغ لبنیات و ماکارانی باشد یا فروشگاه‌های زنجیره‌ای و مواد شوینده در تمامی این تبلیغات تصویری از خانه‌هایی لوکسری با وسایل و تجهیزات تمام‌عیار و خانواده‌ای شاد است سه نفره و نهایتاً چهار نفره را شاهدیم که زندگی آرمانی را برایشان به تصویر می‌کشد.

چهار: کانال تلویزیون را عوض می‌کنید و سریالی در حال پخش است. در سریال با زوج جوانی مواجهیم که مشکلات گسترده مالی دارند اما آبا تمان محل زندگی‌شان لاقال یک آپارتمان ۱۰۰ متری دوسه خوابه است و دکوراسیون و چیدمان آن مطابق با آخرین مد روز ژورنال‌های دکوراسیون داخلی طراحی شده است. این زوج با اصلاً فرزند ندارند یا نهایتاً یک فرزند دارند. بسایر خانواده‌هایی که در استان سریال حضور دارند نیز همگی خانواده‌هایی سه یا چهار نفره هستند و در فیلمنامه سریال‌های ایرانی مدت‌هاست خبری از خانواده‌های گسترده قدیمی نیست.

پنج: باز هم کانال را عوض می‌کنید و این بار یک جنگ تلویزیونی در حال پخش است و چند تن از سلبریتی‌ها را به برنامه دعوت کرده‌اند. نخستین مهمان یکی از خوانندگان کشور است که حدود ۴۵ سال سن دارد اما تا کنون ازدواج نکرده و اصولاً فعلاً ازدواج در برنامه‌هایش نیست. مهمان بعدی خانم بازیگر است که ۴۰ سالگی وارد کرده است و او هم اعتقادی به ازدواج ندارد. مجری برنامه هم که نزدیک به ۵۰سال سن دارد و از ازدواج خودش یک دو سالی بیشتر بی‌خبر نگردد و فعلاً به فکر پیچیده نیست. شش: این بار وقتی آنتن را عوض می‌کنید و با یک برنامه خبری یا میزگرد مواجه می‌شوید که موضوع بحثشان جمعیت است و کارشناس برنامه درباره خطرات سقوط جمعیت و انقراض نسلی هشدار می‌دهد، و مخاطب با یک استاندارد دوگانه مواجه می‌شود و نمی‌داند الگوهای معرفی شده را بپذیرد یا خنایه‌های فرهنگسازی در حوزه افزایش جمعیت برنامه‌های خبری درباره وضعیت جمعیت هشدار می‌دهند.

هفت: رسانه‌ها و به ویژه رسانه ملی نقش بسیار پررنگی در تغییر فرهنگ و ذائقه‌های اجتماعی دارند. وقتی سیاست‌های جمعیتی کشور از تجدید به افزایش تغییر کرده، برنامه‌های تلویزیونی نخستین جایی است که باید تغییر کند و متناسب با سیاست‌های جدید طراحی شود. یکی از جدی‌ترین خلاها برای فرهنگسازی در حوزه افزایش جمعیت برنامه‌های رسانه ملی است که در عمل نه فقط به ازدواج و فرزندآوری تأکید و توصیه نمی‌کند بلکه الگوهایی را به جامعه معرفی می‌کند که از ازدواج و داشتن فرزند گریزانند. به بیان دیگر عملاً سریال‌ها، آگهی‌های بازرگانی و سایر برنامه‌های رسانه ملی ضد جمعیت و ازدواج است. با چنین اوصافی و با عنایت به وضعیت رشد جمعیت در کشور او یا می‌توان به افزایش جمعیت و افرای مردم برای ازدواج و داشتن فرزند بیشتر امیدوار؟!